

واکاوی تأثیر اراده الهی در تلاش‌های جمعی و مفهوم‌شناسی برکت در سازمان

محمد رضا فریدونی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۳

حامد اجاقی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۰۵

چکیده

کسب منافع حداکثری از منابع حداقلی اعم از فیزیکی، مالی و فکری یکی از مهم‌ترین اهداف پژوهشی و اجرایی مدیریت بوده و هست. اکثر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه با اجتناب از متافیزیک مسائل مدیریت را صرفاً از منظر عوامل مادی مورد بررسی قرار داده‌اند. این در حالی است که آموزه‌های دینی و شواهد عملی نشان می‌دهد که این تنها اراده انسان نیست که بر تلاش‌هایش اثر می‌گذارد؛ بلکه عوامل غیرمادی دیگر و در صدر آن‌ها اراده الهی که محیط بر همه اراده‌هاست نیز در جمیع امور جریان و تأثیر دارد. این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای و تحلیل توصیفی-استنباطی علاوه بر ارائه شواهد این مدعا به دنبال تبیین تأثیر اراده الهی در سازمان است. برای این منظور میزان و نوع اراده الهی تحت تأثیر دو عامل خداخواهی انسان و مشیت الهی در قالب یک الگوی مفهومی تبیین شده و سایر عوامل محیطی و خارج از اراده انسان به‌عنوان واسطه‌های اجرای اراده الهی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین ادعا می‌شود به هر میزان که اهداف سازمان و مدیریت در راستای بندگی خدا باشد خداوند تبارک و تعالی بیشتر سررشته امور سازمان را بر عهده گرفته و بر اساس مشیتش در امور دخالت می‌فرماید که از آن به برکت در عرصه سازمان تعبیر شده است. در نهایت بر اساس قرآن و روایات زمینه‌هایی که موجب نزول برکت در فعالیت‌های سازمانی می‌شود، ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی

مشیت خدا، اراده انسان، برکت، زمینه‌سازها، محروم‌سازها، مشیت خدا، اراده انسان، برکت

مقدمه

از زمان پیدایش مدیریت به عنوان یک رشته دانشگاهی تا به امروز پژوهش‌های گسترده‌ای پیرامون موضوعات مختلف سازمانی صورت گرفته است. هدف اصلی این پژوهش‌ها یافتن وضعیت مطلوب و بهترین راه‌حل‌ها بر مبنای شناسایی و تحلیل ابعاد مختلف مسائل سازمانی و متغیرهای دخیل در آن‌ها بوده است که نتایج حاصل از آن‌ها امروزه دانش مفیدی را در رشته مدیریت به ارمغان آورده است. باین حال این تحقیقات صرفاً از دریچه مادی و دنیوی به مسائل سازمان نگریسته‌اند؛ چنانکه گویی مادی بودن و عدم دخالت اراده خالق متعال از جمله مفروضات آن‌هاست. چنین دیدگاهی شباهت بسیاری به رویکرد مکانیک گونه دکارتی (مصلح و موسوی مقدم، ۱۳۹۰) که جهان را همچون ساعتی می‌داند که مستقل از پدیدآورنده‌اش کار می‌کند، دارد. پرواضح است که بر اساس منابع دینی اسلام و به خصوص تشیع چنین دیدگاهی درست نیست و جهان هستی لحظه‌به‌لحظه محتاج به خالق خود بوده تا جایی که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید برگ‌ی از درخت سقوط نمی‌کند مگر به اذن او «... وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ...» (انعام: ۵۹). از این رو اجمالاً فهمیده می‌شود که اتفاقی در جهان به وقوع نمی‌پیوندد مگر آنکه خداوند به آن جامه هستی می‌پوشاند و سازمان و جامعه نیز از این امر مستثنی نیستند.

لذا به نظر می‌رسد اگرچه تاکنون مسائل سازمانی به صورتی نسبتاً جامع و دقیق مورد بررسی قرار گرفته اما این تحقیقات فقط متغیرهای مادی را مطالعه کرده‌اند و بلکه از منظری جامع‌تر می‌توان گفت نتایج آن‌ها تفسیر تمثیل مادی اراده الهی است؛ بنابراین این سؤالات مهم که تاکنون نیز مورد بررسی قرار نگرفته مطرح است که آیا اراده دیگری غیر از اراده خود انسان بر تلاش‌هایش تأثیر دارد؟ و اگر دارد در راستای یاری انسان است یا ممانعت؟ آیا می‌توان شرایطی را فراهم نمود تا علاوه بر تلاش‌های مادی از امداد ویژه الهی نیز بهره برد؟ چرا بسیاری از سازمان‌ها علی‌رغم زحمات فراوان و فراهم کردن همه شرایط مادی لازم به نتیجه مورد علاقه نمی‌رسند و اصطلاحاً فعالیت‌هایشان برکت ندارد؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند تأثیرات گسترده و عمیقی بر سازمان و مدیریت چه از بعد نظری و چه از بعد عملی داشته باشد که نشان از اهمیت مسئله و ضرورت این موضوع است. لذا دغدغه اصلی نویسندگان این مقاله توجه به مسائل سازمانی از بعد ملکوتی و امداد الهی است که تاکنون

مغفول مانده درحالی که می‌تواند برای سازمان‌ها بسیار سودمند باشد. پژوهش حاضر درصدد است با ورود به این موضوع زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر و وسیع‌تر در این زمینه گردد و هدف اصلی آن تبیین میزان و چگونگی دخالت اراده الهی در تلاش‌های انسان است. در درجه بعد شناخت زمینه‌های دریافت امداد الهی به‌عنوان هدف فرعی این تحقیق است. برای این منظور ابتدا به کمک یک مدل مفهومی مبتنی بر آیات جهت و میزان دخالت خداوند در تلاش‌های انسان تبیین شده و در ادامه زمینه‌سازها و محروم‌سازهای از برکت از آیات و روایات استخراج شده و مواردی از آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

پیشینه موضوع

تحولات و گسترش علمی مدیریت در دوران و محیطی شکل گرفته است که نشانه‌های اندکی از ایمان و معنویت در آن به چشم می‌خورد. این مسئله باعث کم‌رنگ بودن مباحث دینی در ادبیات علمی مدیریت و سازمان شده است. در دهه‌های اخیر تا حدودی توجه محققان به مباحث معنوی و اخلاقی در سازمان جلب گردیده است. با این حال عمده این پژوهش‌ها بخصوص آن مواردی که در جوامع غیرمسلمان انجام گردیده به دنبال کارکردهای اخلاق، مذهب یا معنویت در سازمان هستند. این رویکرد حداقل از دو جنبه قابل نقد است؛ اولاً بسیاری از این پژوهشگران و محققان، معنویت و اخلاق را منهای ریشه و حیانی و دینی آن در نظر می‌گیرند و در بعضی موارد مفاهیم مذکور با آموزه‌های دینی همخوانی ندارد. ثانیاً در غالب این تحقیقات این رویکرد که دین، اخلاق و معنویات چه کمکی می‌توانند به نظریه‌های مدیریت در اداره سازمان کنند غلبه دارد که یک نگاه ابزاری به دین است نه نگاه ولایی به آن؛ به عبارت دیگر سازمان و در نتیجه اهداف مادی اصل و غایتی است که دین قرار است به آن خدمت کند و در نتیجه این دین است که با اهداف مادی هماهنگی می‌شود؛ در صورتی که باید عکس آن باشد. به‌طور مثال ممکن است اهدافی که سازمان به دنبال آن‌هاست با موازین دینی مغایرت داشته باشد؛ اما از انگیزش‌های دینی برای مشارکت و تعهد بیشتر کارکنان استفاده شود که این خود موجب نقض غرض، ایجاد تضاد، ریاکاری و... می‌گردد. این موضوع در حوزه تحقیقات فارسی‌زبان کم‌رنگ‌تر بوده اما هنوز کاملاً مرتفع نشده است. به‌عنوان شواهد این مدعا در جدول ۱ برخی از مرتبط‌ترین فعالیت‌های انجام‌شده ارائه گردیده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پیشینه تحقیقات مرتبط با موضوع

پژوهشگران	سال	دست‌آورد
رستگار و وارث	۱۳۸۷	لزوم حاضر دانستن خدا در سازمان و یکپارچگی زندگی معنوی و زندگی کاری به‌منظور برانگیختگی و هدفمندی و معنابخشی
فروزنده دهکردی و ملائی	۱۳۸۸	ارائه اصول زیر به‌عنوان اصول مدیریت مبتنی بر نظام ارزشی اسلام: قرب الهی، رعایت مصالح عمومی، مسئولیت، خودکنترلی، رقابت سالم و رعایت حقوق افراد و عدالت محوری
طویابی	۱۳۸۵	تبیین آخرت‌گرایی در مدیریت اسلامی به‌خصوص در حوزه برنامه‌ریزی
بختیاری	۱۳۸۹	عوامل معنوی مهم‌ترین موارد در توانمندسازی مدیران
محمدزاده و همکاران	۱۳۸۸	بررسی مفهوم و مصادیق برکت از منظر قرآن
دارینی	۱۳۸۶	مفهوم‌شناسی برکت در قرآن و روایات

بررسی تفصیلی این تحقیقات نشان می‌دهد برخی از آن‌ها به‌صرفه‌ی واژه‌شناسی برکت در منابع دینی پرداخته‌اند. برخی دیگر هم که به نحوی گریزی به موضوع خدا در سازمان زده‌اند درصدد یافتن تائید و یا تبیینی دینی بر یافته‌های موجود نظریه‌های مدیریت بوده‌اند که رویکردی کارکردگرایانه و ابزاری نسبت به دین است. بعضی دیگر نیز با نگرشی خرد و جزئی تأثیرات مثبت توجه به خدا در سازمان را مورد تأکید قرار داده‌اند. در تحقیق حاضر ضمن بهره‌گیری از یافته‌های تحقیقات گذشته، مبنای دخالت خداوند متعال در تلاش‌های جمعی انسان مورد بحث قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر در زمره تحقیقات کیفی است، ماهیتی توصیفی-استنباطی داشته و به لحاظ جهت‌گیری از نوع بنیادی و کاربردی است. اهداف اصلی پژوهش تبیین و پیش‌بینی بوده که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای اسناد انجام شده است.

مدل مفهومی این تحقیق بر اساس رویکرد نظریه‌پردازی بنیادین بر مبنای استنباطات قرآنی و روایی ارائه شده است. اساساً موضوع مورد مطالعه در نظریه بنیادی تحلیل متن است (کلاکی، ۱۳۸۸). نظریه بنیادی به لحاظ کیفی به روش‌شناسی هرمنوتیک نزدیک است؛ اما تفاوت اساسی آن است که هرمنوتیک به دنبال درک و فهم موضوع است، اما نظریه بنیادی در جستجوی تبیین موضوع از راه فهم روابط میان پدیدارهاست (کلاکی، ۱۳۸۸). در روش‌شناسی بنیادین قواعد کلی تفکر به انضمام برخی از مبادی و اصول موضوعه در محدوده یک موضوع خاص دنبال می‌شود (پارسانیا و اردکانی، ۱۳۹۲). وجود خداوند متعال و صاحب‌اختیار بودن انسان دو اصل موضوعه پذیرفته‌شده در این پژوهش می‌باشند. میزان نمونه‌گیری و اعتبار نظریه نیز زمانی است که پژوهشگر به نقطه اشباع برسد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴؛ ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷؛ کلاکی، ۱۳۸۸). کشف مقوله مرکزی بیانگر تکراری بودن مفاهیم و مقولات به معنای رسیدن به اشباع نظری است که همان پایایی تحقیق و تکرارپذیر بودن مفاهیم و مقولات در متن است (کلاکی، ۱۳۸۸). بر این اساس بررسی آیات و روایات تا دستیابی به مقوله مرکزی تحقیق یعنی دخالت فعالانه و نه منفعلانه خداوند متعال در امور عالم ادامه یافت و این مقوله توسط گزاره‌های نقلی دیگری مردود نگردید. لازم به ذکر است از آنجاکه محتوای مورد بررسی آیات و روایات بوده‌اند از به کار بردن کلماتی همچون «داده» و «کد» خودداری شده است. پس از آن حالات مختلف و میزان دخالت خداوند بر مبنای دو مفهوم مشیت الهی و اختیار انسان به کمک استنباطات قرآنی و روایی در قالب یک مدل تبیین شد. در به‌کارگیری دو مفهوم اخیر قدر مشترک نظر صاحب‌نظران در مورد آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت. شاید مشیت و اراده وقتی با هم استعمال می‌شوند معنایشان با هم فرق کند؛ اما وقتی به‌جای همدیگر به کار می‌روند به یک معنا هستند. از این رو کلمات مشیت، اراده و خواست به‌جای یکدیگر استفاده شده‌اند تا بدین موضوع اشارت داشته باشد.

در بخش معرفی زمینه‌سازها و محروم‌سازهای برکت روش تحقیق موضوعی به کار گرفته شده و در مواردی از آن‌ها که مستقیماً در عرصه سازمان قابل فهم نیست تلاش گردیده بر مبنای روش تحلیل محتوی مقوله‌هایی زیربنایی که در سازمان معنی‌دار و کاربردی است ارائه گردد.

مبانی نظری تحقیق

در جوامع دینی همچون جامعه ولایی ایران فی الجمله این اعتقاد وجود دارد که اراده الهی در همه امور مؤثر است؛ اما این موضوع به صورت مبسوط به خصوص در حوزه سازمان مورد بررسی قرار نگرفته است. برای مثال این سؤال مطرح است که آیا منظور از دخالت خداوند در امورات به صرف قرار دادن اسباب در اختیار انسان بوده یا بیش از این است؟ سؤال اساسی دیگر در این زمینه آن است که اگر خداوند متعال در تلاش‌های انسان‌ها دخالت می‌کند آیا علت موفقیت یک سازمان خواست خدا و یا منابع غنی آن، سرمایه‌های فکری برتر، نظریه‌ها، هوش و تلاش بهتر مدیران و کارکنان، فرصت‌شناسی و مواردی از این دست بوده و یا تلفیقی از آن دو است؟ این نوشتار درصدد تبیین این موضوعات است و از این‌رو سؤالات تحقیق به صورت زیر تدوین شده است:

- ۱- آیا میزان دستیابی به اهداف صرفاً تحت تأثیر میزان اراده و تلاش خود انسان(ها)ست و یا اراده الهی نیز اثرگذار است؟
- ۲- اگر اراده الهی بر میزان دستیابی انسان به اهدافش اثر دارد با توجه به مطلوبیت‌های انسان آیا در جهت امداد است و یا به صورت مانع؟
- ۳- سایر اراده‌های و عوامل محیطی چه اثری دارند؟

پاسخگویی به این سؤالات به کمک یک مدل مفهومی که بر مبنای معارف دینی توسعه یافته، انجام شده است. در این مدل همه متغیرهای اثرگذار در دستیابی به اهداف در قالب دو عامل مشیت الهی و اراده انسان خلاصه می‌شود. متکلمین در باب مفاهیم مشیت، اراده و اختیار مباحث گسترده‌ای داشته‌اند لکن در این پژوهش تا بدان حد درباره آن‌ها دقت نشده است بلکه یک معنای عمومی و مورد پذیرش غالب صاحب‌نظران مورد توجه بوده است:

اراده انسان. فی الجمله این بداهت وجود دارد که انسان چه به صورت فردی و چه در قالب هویت جمعی بر میزان دستیابی به اهداف مورد نظرش مؤثر است. خواست و اراده انسان از یک منظر در دو بعد تجلی می‌یابد: ۱- جهت‌گیری‌ها یا همان نیات و هدف‌گذاری‌ها. ۲- افعال که هرگونه تلاش و فعالیتی برای رسیدن به هدف است و شامل اعمال زمینه‌ساز و اعمال محروم‌کننده (معاصی) نیز می‌شود که پس از این شرح داده خواهد شد. هر دو مورد هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی قابل توجه است؛ به عبارت دیگر علاوه بر اعمال

و جهت‌گیری‌های فردی، حاصل جمع آن‌ها نیز موضوعیت داشته و مؤثر است. عملاً هویت جمعی ناشی از برآیند نیت و اعمال افراد سازمان است که مهم‌ترین ظهور آن در اهداف مشترک و خروجی‌های سازمان شامل محصولات و خدمات سازمان است. از منظر فردی نیز بسته به شدت جهت‌گیری و نیز جایگاه سازمانی ممکن است یک فرد کل مجموعه را تحت تأثیر قرار دهد.

مشیت یا اراده خدا. هر آنچه بخواهد در عالم واقع به وقوع بپیوندد باید خواست خدا به آن تعلق گرفته و خداوند به آن هستی ببخشد «كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹). این سطح از دخالت اراده الهی در امورات عالم در ادبیات دینی مورد پذیرش همگان است. آنچه در این پژوهش ادعا می‌شود این است که دخالت خداوند در عالم به‌صرف در اختیار قرار دادن ابزار و اسباب محدود نبوده و بیش از آن است. برای بررسی این ادعا آیاتی که به نحوی اشاره به اراده الهی دارند به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور حفظ اختصار گزارش مختصری از نتایج ارائه می‌گردد. در حدود ۱۸۰ آیه بر مبنای ریشه «شاء» به نحوی به اراده الهی اشاره دارد. از بین آن‌ها تعدادی مبین امداد و یاری رساندن^۱ و تعدادی بر ایجاد ممانعت و یا عدم یاری رساندن^۲ و برخی نیز بر هردو معنا برای کسانی که خدا بخواهد تأکید دارند.

برخی از آیات در مورد امور معنوی مانند غفران و هدایت و برخی دیگر همچون «...وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكُهُ مَن يَشَاءُ...» (بقره: ۲۴۷)، «... وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ...» (آل عمران: ۱۳)، «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَ...» (آل عمران: ۲۶)، «قُلِ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...» (یونس: ۴۹)، «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ...» (رعد: ۲۶)، «بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (روم: ۵) بر امور مادی مانند روزی بی‌حساب و نصرت اشاره دارد. «شاء» بیانگر این معناست که خداوند در مورد کسانی اراده‌ای فرموده که در مورد دیگران آن اراده را نفرموده است. برخی مفسرین به بیش از این نیز معتقد هستند. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیات «وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ عِوَانِيْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ عَدُوٌّ اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى اَنْ يُّهْدِيَنِيْ رَبِّيْ لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشْدًا» (کهف: ۲۳-۲۴) می‌فرماید: هر سببی از اسباب عالم هستی سبب از پیش خود نیست و سببیتش به اقتضاء ذاتش نمی‌باشد بلکه خدای تعالی او را قادر بر فعل و اثرش کرده و هر جا که فعل و اثری از خود نشان دهد،

می فهمیم که خدا خلاف آن را اراده نکرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۷۰)؛ و همچنین اذن خدا همان اقتدار خداست، اذن خدا همان رفع موانع نمودن خداست، و آیات داله بر این که هر عملی از هر عاملی موقوف بر اذن خدای تعالی است بسیار زیاد است از آن جمله می فرماید: «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ» (حشر: ۵) هیچ درخت خرمایی را قطع نمی کنید و یا به حال خود نمی گذارید مگر به اذن خدا؛ و نیز می فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (اعراف: ۵۸) / سرزمین پاک روئیدنش نمی روید مگر به اذن خدا» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۷۱).

علامه جوادی آملی درباره اصل پیدایش هر چیزی در جهان، امکان و نسبتش با اراده و مشیت الهی معتقد است که فیض حق مستمر است گرچه مستفیض ها، یعنی قابل ها گاهی زایل و متبدل می شوند به هر حال این فیض مستدام خداوند بر اثر مشیت دائمی حق تعالی است و این فیض بی کران و نابریده و مستمر در ایجاد چیزی است که خداوند آن را اراده می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۸۸). در روایات نیز موارد متعددی در این باره وجود دارد به طور مثال در حدیث قدسی زیر خداوند تعالی آنچه را که در عالم به وقوع می پیوندد را ناشی از اراده خودش جل و علا می داند: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرِيدُ وَ أُرِيدُ، وَ إِنَّمَا يَكُونُ مَا أُرِيدُ، فَإِنْ سَلَّمْتَ لِمَا أُرِيدُ كَفَيْتَكَ مَا تَرِيدُ وَ إِنْ لَمْ تُسَلِّمْ لِمَا أُرِيدُ اتَّعَبْتَكَ فِيمَا تَرِيدُ، ثُمَّ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ» (مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۲۲، ص ۱۳۶)؛ بنابراین آنچه در عالم به فعلیت می رسد خواست خداست و اینکه در نهایت انسان به هدف خود برسد یا نرسد متأثر از اراده الهی است. ظلم و ضررها و شروری هم که در عالم اتفاق می افتد همگی به خواست خداست «...وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...» (مجادله: ۱۰) و نیز «أَنَّ الضَّارَّ النَّافِعَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۸)، با این توضیح که هر آنچه در عالم موصوف به اختیار به وقوع می پیوندد به اراده اوست اگرچه ممکن است مورد رضایتش جل و علا نباشد؛ چراکه او خود چنین سنتی را به اقتضای اختیاری که اعطا نموده بر پا ساخته است «شَاءَ وَ أَرَادَ وَ لَمْ يُحِبَّ وَ لَمْ يَرْضَ شَاءَ أَنْ لَا يَكُونَ شَيْءٌ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَ أَرَادَ مِنْ ذَلِكَ وَ لَمْ يُحِبَّ أَنْ يُقَالَ ثَلَاثَةٌ ثَلَاثَةٌ وَ لَمْ يَرْضَ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۰۹).

بنابراین بررسی محتوای آن دسته از آیات قرآنی که بیانگر اراده الهی است و نیز اشاره روایات و نظر اهل معرفت این مقوله آشکار می‌شود که خداوند متعال دخالتی فعالانه و نه منفعلانه در امورات انسان‌ها دارد و این به اقتضای ربوبیت الهی است. انسان از طریق حوادث و اموراتی که از محیط اطراف خود دریافت می‌کند به سمت خدا سیر داده می‌شود و این امورات اتفاقی نیست بلکه رب‌العالمین که پرورش‌دهنده انسان به سمت خداپرستی است انسان را با این حوادث روبه‌رو می‌سازد «يُدِيرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ...» (سجده: ۵)؛ بنابراین کلید شناخت و مواجهه با محیط یعنی آنجا که خارج از مرزهای کنترل انسان و سازمان است میزان خداخواهی و حرکت به سوی اوست. این موضوع دستاویز توجیه اعمال اشرار و ظالمان نیست چراکه معنای معارف فوق آن است که درعین حال که هرکسی هر عملی انجام می‌دهد باید در عالم دنیا و در درگاه الهی در قبال آن پاسخگو باشد؛ آنچه از عالم به انسان می‌رسد خواست و برنامه خداست. این نه بدان معناست که خداوند کسی را مجبور نماید که به انسان ضرر برساند که نتیجتاً شخص ضرررسان مقهور بوده باشد، بلکه به این معناست که اگرچه هر موجودی به‌ظاهر بر اساس اراده خویش مشغول به کار خود است اما در نهایت برای هر فرد برنامه خدا محقق می‌شود. شهید مطهری در مورد توحید فاعلی می‌گوید این جهان با همه نظامات و سنن و علل و معلولات، فعل او کار او و ناشی از اراده اوست (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۰)؛ و این از اسرار خلقت است به‌عبارت دیگر همه متغیرهای محیطی در عالم به نحوی پیکربندی می‌شوند که در نهایت اراده الهی در مورد انسان‌ها که بهترین نقشه جهت سیر انسان به سمت خداست، محقق گردد. از این‌رو در این پژوهش عوامل محیطی یعنی هر آنچه خارج از مرز سیستم سازمانی قرار دارد به‌صورت تفصیلی و جزء‌به‌جزء بررسی نمی‌گردد بلکه آن‌ها به‌عنوان بخشی از جنود الهی که واسطه اجرای مشیت الهی هستند در نظر گرفته می‌شود.

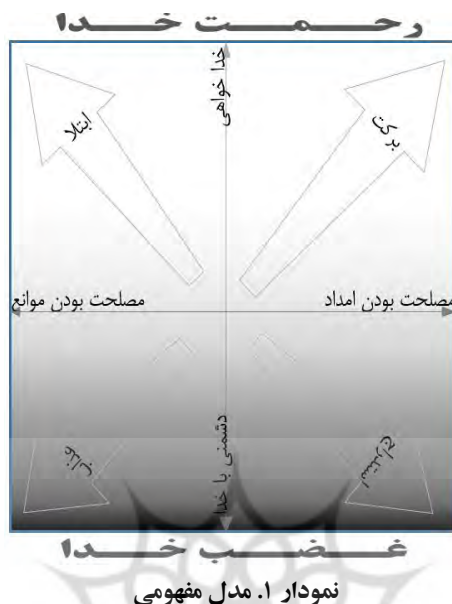
موضوع دیگر آن است که اراده انسان نیز در امور بی‌تأثیر نیست بلکه به خواست و مشیت الهی در تمام عوالم از جمله عالم دنیا مدخلیت دارد که کیفیت آن نیازمند بررسی است. اجمالاً می‌توان گفت برنامه‌ای را که خداوند متعال برای انسان در عالم پیاده می‌فرماید تحت تأثیر میزان خداخواهی فعلی و گذشته انسان است؛ بنابراین انسان بر آنچه از محیط به او می‌رسد مؤثر است به این نحو که عمده کاری که انسان انجام می‌دهد جهت‌گیری و اراده نمودن است و سایر کارها یعنی به وقوع پیوستن را خداوند محقق می‌سازد. از اینجاست که

مؤمن حقیقی به واسطه فراست و درک صحیحی که از عالم دارد ضمن آنکه خود را ملزم به استفاده از اسباب می‌داند در اسباب غرق نشده و مطلوب خود را از مسبب‌الاسباب می‌خواهد «يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ» (ابن طاووس حلی، ۱۳۷۰، ص ۳۹ و کفعمی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰) چراکه می‌داند کانون و معیار کنترل حوادث در عالم جای دیگری است؛ درحالی‌که دیگران مطلوب خود را از اسباب تمنا می‌کنند.

مدل مفهومی

هر یک از دو عامل مذکور در واقع دو بعد مدل این تحقیق را تشکیل می‌دهند. بعد اول موضع‌گیری انسان در برابر خداوند متعال بوده که هم شامل جنبه فاعلی و هم فعلی و در قالب یک طیف قابل تصور است. یک سوی این طیف خداخواهی صددرصدی چه در جنبه نیات یعنی جهت‌گیری وجودی و چه در عرصه اعمال است و انتهای دیگر آن دشمنی با خدا در نیات و اعمال است. خداخواهی و دشمنی با خدا را این‌گونه می‌توان تعریف نمود که خداخواهی شناخت، پذیرش و تبعیت از حق و در نتیجه محبوب خدا شدن؛ و دشمنی با خدا شناخت حق و درعین حال نپذیرفتن، عدم تبعیت و بلکه مقابله با آن و در نتیجه مبعوض خدا شدن است.

بعد دوم یعنی مشیت الهی نیز از منظر مصلحت بودن امداد و یا مصلحت بودن ممانعت در قالب یک طیف در نظر گرفته می‌شود. یک سوی این طیف امداد صددرصدی است به نحوی که خداوند متعال همه امورات انسان را بر عهده گرفته و به نتیجه می‌رساند «...مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...» (انفال: ۱۷) و انتهای دیگر آن شرایطی است که خداوند مانع از به نتیجه رسیدن فعالیت‌های انسان می‌شود «...وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال: ۳۰). با در نظر گرفتن هم‌زمان این دو بعد چهار حالت پیش می‌آید که در نمودار ۱ ارائه شده است.



این الگو نشان می‌دهد که دخالت خداوند متعال در امور و شئون انسان‌ها در چهار حالت و یا به عبارتی چهار سنت قابل تصور است. اندازه بزرگ‌شونده بردارها بیانگر این موضوع است که با دور شدن از مبدأ شدت آن سنت الهی بیشتر می‌شود. در نتیجه گویی در اطراف مبدأ، خداوند متعال نسبت به سایر نقاط نمودار کمتر در امورات دخالت نموده و انسان به حال خودش واگذار شده است؛ لذا آن دسته از فعالیت‌های انسانی را که می‌توان به این موقعیت نسبت داد، به صورت مادی با متغیرهایی دنیوی و ظاهراً پیش‌بینی شونده دیده می‌شود. از اینجا این حقیقت آشکار می‌شود که چه بسا بسیاری از سازمان‌ها در این ناحیه قرار دارند و از این روست که نظریات موجود مدیریت برای آن‌ها معنادار و کارساز است؛ اما اگر موقعیت یک سازمان بر اساس این الگو دور از مبدأ قرار گیرد شاید نظریه‌های موجود مدیریت دیگر نتوانند به خوبی موقعیت را تفسیر و تبیین نمایند که از جمله مثال‌های آن می‌توان به موفقیت‌های نیروهای مسلح ایران در دوران دفاع مقدس اشاره نمود.

از منظر سازمانی موقعیت برکت بهترین حالت است؛ یعنی شرایطی که سازمان فراتر از انجام تلاش‌های لازمه برای تحقق اهداف به واسطه امداد الهی به موفقیتی بیش از انتظار دست می‌یابد. شرط لازمه دستیابی به برکت، ایمان به خداست اما شرط کافی نیست چراکه ممکن

است، سازمان خداخواه بوده، اما هنوز از امداد الهی برخوردار نگردد بلکه حتی خداوند موجبات شکستش را فراهم سازد (حالت ابتلا). به نظر می‌رسد حداقل سه دلیل برای سنت ابتلا قابل درک است. یک دلیل آن مربوط به موارد استثنایی یعنی اولیای الهی است که ظهور بلا به منظور ارتقا رتبه ایشان است. دلیل دوم اینکه ممکن است ابتلا به منظور افزایش سطح جهت‌گیری انسان‌ها به سمت خداوند یعنی بالا رفتن موقعیت در محور عمودی باشد و در نهایت دلیل سوم آنکه شاید زمینه‌های بهره‌گیری از امداد الهی فراهم نشده باشد که در ادامه بیان خواهد شد؛ به عبارت دیگر اگر اراده یک سازمان در مجموع بندگی خدا باشد و به علاوه حداقل تلاش‌ها برای تحقق اهداف را انجام داده و زمینه‌های دریافت امداد الهی را حتی المقدور فراهم نموده باشد؛ خداوند متعال بسته به شدت خداخواهی سازمان سررشته امور آن را بر عهده گرفته و مطابق مصلحت خویش اداره می‌کند که از آن به برکت الهی تعبیر می‌شود «إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي...» (مفاتیح‌الجنان، مناجات شعبانیه). بر اساس این مدل هر چه سازمان از مبدأ نمودار ۱ در راستای برکت فاصله بیشتری می‌گیرد؛ یعنی هر چه بیشتر اراده سازمان در راستای بندگی خدا باشد و خالص‌تر گردد سررشته اداره امور بیشتر از دست سازمان خارج شده و خداوند خود بر عهده می‌گیرد: «إِلَهِي اغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ عَنْ تَدْبِيرِي وَ بَاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي» (مفاتیح‌الجنان، دعای عرفه). در این حالت محیط و حتی برخی حوادث درون‌سازمانی چیزی بیشتر از ظهور و بروز مادی اراده الهی نیست.

برکت، زمینه‌سازها و محروم‌سازها

همان‌طور که در الگوی تحقیق نشان داده شد شرط لازمه دریافت امداد رحمانی، ایمان است که در قسمت بالا و سمت راست الگو قرار داشته و از آن به برکت تعبیر گردید. با این حال ممکن است علی‌رغم وجود ایمان به خدا صلاح انسان در گره افتادن در کارها و به وجود آمدن موانع بر سر راهش یعنی موقعیت ابتلا باشد «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ...» (بقره: ۲۱۶). در این بخش ضمن تعریف برکت، عواملی که باعث می‌شود موقعیت سازمان از قسمت چپ نمودار ۱ به سمت راست جابجا شود و احتمال مصلحت بودن امداد را بیشتر کند، بیان می‌گردد.

نفس واژه «برکت» مستقیماً در قرآن کریم بیان نشده اما مشتقات «برک» در مجموع ۳۲ بار در قرآن آمده است: «مبارک» ۱۲ مرتبه^۳، «تبارک» ۹ مرتبه^۴، «بارکنا» ۶ مرتبه^۵، «برکات» سه مرتبه^۶، «بارک»^۷ و «بورک»^۸ هر کدام یک مرتبه. ضمن اینکه آیاتی هم که با شرایطی وعده فزونی نعمت را طرح کرده، به موضوع برکت مرتبط است^۹. صاحب‌نظران برکت را ثبوت خیر خداوندی در چیزی می‌دانند (راغب، ۱۴۱۶، ص ۴۴). برکت تحت تأثیر اغراض است و از این منظر مفهومی نسبی است؛ مثلاً طعام متبرک نسبت به گرسنه، سیرکننده، نسبت به بیمار شفابخش بوده و نسبت به خواهان بندگی، نوری پدید می‌آورد که برای عبادت خداوند، توانا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۸۰). از آنجاکه غرض از دین، تنها سعادت معنوی است، مقصود از برکت در زبان دین، آن چیزی است که در آن، خیر معنوی و یا خیر مادی، منتهی به معنوی باشد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین معنای وجود برکت در اشیا، ابطال اسباب و علل نیست؛ بلکه اراده خداوند، سببی در طول اسباب دیگر است، نه در عرض آن؛ مثلاً هنگامی که خداوند برکتی در طعام نازل می‌کند، بین اسباب مختلفی که موجود است، وفق می‌دهد. بدین گونه که اسباب موجود، باعث اضرار به مزاج این شخص نشود و یا موجب فساد این شیء یا ضایع شدنش نگردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، صص ۲۸۲-۲۸۳).

در منابع حدیثی نیز موارد متعددی که موجب نزول برکت و یا از بین رفتن آن می‌شود بیان گردیده است. این موارد اگرچه غالباً در حوزه زندگی فردی است اما در این مقاله تلاش شده تا جای ممکن به حوزه سازمان بسط داده شود. برای این منظور غالب گزاره‌های مرتبط با مفهوم برکت از قرآن و روایات استخراج گردیده و در دو دسته کلی زمینه‌ساز (جدول ۲) و محروم‌ساز (جدول ۳) ارائه شده است. در مواردی که گزاره‌ای نامرتبط به حوزه سازمان به نظر می‌رسید تلاش شده است به کمک روش تحلیل محتوی مقولات زیر بنایی آن استخراج شود تا در عرصه سازمان نیز قابل بهره‌گیری باشد.

در این مقاله علی‌رغم اینکه زمینه‌های نزول برکت بر اساس منابع اسلامی شناسایی و معرفی می‌گردد؛ از واژه‌هایی نظیر «احتمالاً» استفاده شده است؛ چراکه اراده الهی محکوم و مقهور به قوانین و سنت‌هایش نیست بلکه بر آن‌ها حکومت و سلطنت دارد «... وَكَلَّمَ غَالِبٌ عَلَيَّ أَمْرَهُ...» (یوسف: ۲۱) و علاوه بر آن سنت‌های زیادی در عالم مادی و غیرمادی جاری است که ما از همه آن‌ها آگاهی نداشته و نمی‌توانیم تأثیرات آن‌ها را پیش‌بینی و تحلیل نماییم.

جدول ۲. زمینه‌سازهای برکت

مقولات	مستندات قرآنی و روایی	زمینه‌سازها
خداخواهی	آل عمران: ۹۶؛ اعراف: ۹۶ و نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸	ایمان و تقوی
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۷	اطاعت از خدا
	طوسی، ۱۳۸۸، ص ۵۶۶، ح ۱۱۷۴	پذیرش سخن خدا و رسول
	برقی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲، ح ۷۴	پذیرش ولایت علی بن طالب (ع)
	نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱	راضی بودن به رضای خدا
	دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۳۴۲	راضی بودن به روزی
ایمان به ولایت	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۲	ائمه موجب برکت
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۴ و ابن شعبه، ۱۳۶۲، ص ۴۸۹	شیعیان واقعی مایه برکت
	مختصر بصائر، ص ۱۴۰	امام موجب برکت
	مریم: ۳۱؛ هود: ۴۸ و هود: ۷۳-۷۱	انبیا موجب برکت
عبادت و ارتباط با خدا	حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۹۹؛ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۰۰	تلاوت قرآن در خانه
	پاینده، ۱۳۶۲، ص ۱۹۳، ح ۲۰۶ و کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۲۸	دعا کردن
	دیلمی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۱	نماز شب
	صدوق، ۱۳۸۴، ص ۵۲۲، ح ۱۱	نماز خواندن
یاد خدا	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۱۴ و مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۱۰، ص ۱۷۱	یاد خدا
	طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۵۷	آیه‌الکرسی
	صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۵۹؛ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۹۲، ح ۱، تفسیر الإمام العسکری علیه‌السلام، ص ۲۵	گفتن بسم الله الرحمن الرحيم
	برقی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴	وضو در هنگام طعام
	ابن شعبه، ۱۳۶۲، ص ۱۴	صدق

مقولات	مستندات قرآنی و روایی	زمینه‌سازها
	ابراهیم: ۷۱ و مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۱۰، ص ۱۷۱	شکرگزاری
برخی مجاری فیض الهی	انعام: ۹۲؛ مائده: ۱۶	وجود قرآن
	مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۹۸، ص ۱۱۶، ح ۴۱	قبر امام حسین (ع)
	انبیاء: ۷۱، سبأ: ۱۸، آل عمران: ۹۶ و مؤمنون: ۲۹	مکان‌های مبارک
	دخان: ۳، قدر: ۳ و مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۹۳، ص ۳۴۰، ح ۷۸	زمان‌های مبارک
توجه به ستن رسول خدا	نور: ۳۵؛ ق: ۹؛ برقی، ۱۳۸۲، نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۱۵، ح ۱۷۷۰۰؛ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۳۰؛ برقی، ۱۳۸۲، الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۵۹	نان، نمک، عسل، شیر، گوشت، باران، درخت زیتون، فرزند دختر، تشکیل خانواده، شستن دست‌ها قبل از غذا
مسئولیت اجتماعی	کراچکی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷۹	عیادت از بیمار
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۵۶۸، ح ۶ و برقی، ۱۳۸۲، نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۳۲۰	رعایت انصاف و عدالت
	ابن شعبه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۲	پرداخت زکات
	نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۵	صدقه
مشتری‌مدا ری	محمدری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۵۶	نسیه و قرض دادن
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۷	مدارا کردن با مردم
	نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۲۹۸، ح ۱۵۴۱۰	راست‌گویی و عدم اغوا در معامله
انسجام و همدلی	مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۹	تناول جمعی
	نور: ۶۱ و صدوق، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۸۳، ح ۲۳	سلام کردن به هنگام ورود به خانه
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۸۲	خوش‌رفتاری
	نوری، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۰۲ و کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۷۷	صله ارحام
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱	وزن کردن اجناس

مقولات	مستندات قرآنی و روایی	زمینه‌سازها
انجام درست کار	ابن‌شعبه، ۱۳۶۲، ص ۳۹۸	مشورت با عاقل
	پاینده، ۱۳۶۲، ص ۳۷۱، ح ۱۰۷۸؛ مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۵۶، ص ۳۵ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۰	سحر خیزی
ربط با اهل بیت پیامبر	نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۳	تسمیه افراد به نام‌های اهل بیت و پیامبران
	پاینده، ۱۳۶۲، ص ۳۷۶، ح ۱۱۱۰	وجود افراد مسن
	طبرسی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵ و مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷۳، ص ۱۵۴	جایگاه، وسعت و همسایگان خوب خانه

جدول ۳. محروم‌سازهای برکت

مقولات	مستندات قرآنی و روایی	محروم‌سازها
معصیت	نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۳	گناه
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۵۴	عمل منافی عفت
	محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲	جنایت
استفاده بهینه از منابع	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۵۵ و محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۵	اسراف
از ساحت علم و عالم به دور بودن	نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۳۷۶ و مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۲۲	دوری از علما
	حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۱۵، برقی، ۱۳۸۲ و الوسائل، ج ۵، ص ۲	نفس وجود شراب و آلات موسیقی و قمار
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۶۲، ح ۴	قسم خوردن برای فروش کالا
رذائل اخلاقی	بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۱۲	چاپلوسی

مقولات	مستندات قرآنی و روایی	محروم‌سازها
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۲۵	دشنام دادن
	صدوق، ۱۳۷۰، ص ۱۷	خیانت در شراکت
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۷	مال حرام
	تمیمی، ۱۳۷۸، ص ۹۲، ح ۱۶۱۰	نیت‌های آلوده
عدم توجه به مصالح مسلمین	حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۲	احتکار
	نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۲۹۸، ح ۱۵۴۱۰	محروم داشتن مؤمنی از حقش
	مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۱۰۱، ص ۲۹	کوتاهی در قبال برادران دینی
عدم احیای دین در جامعه	طوسی، ۱۳۷۰، ج ۶، ص ۱۸۱، ح ۳۷۳	امر به معروف و نهی از منکر نکردن
	عوالی اللالی، ج ۲، ص ۵۴، ح ۱۴۶	عدم شرکت در نماز جمعه
	مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۷، ص ۳۵	خشم و غضب خدا
اعراض از ذکر	طه: ۱۲۴	رویگردانی از یاد خدا
	مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۸۹، ص ۲۵	نگفتن بسم الله هنگام خوردن غذا
	مجلسی، ۱۳۵۱، ج ۸۰، ص ۲۱، برقی، ۱۳۸۲ و الوسائل، ج ۳، ص ۲	سستی ورزیدن در خواندن نماز
	حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۶	مهجوریت قرآن
	نوری، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۲۹۸، ح ۱۵۴۱۰	پوشاندن عیب اجناس و اغوا کردن
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۷	کم‌فروشی
	رضایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۰۳	خودنمایی در علم‌آموزی
	پاینده، ۱۳۶۲، ص ۱۹۳، ح ۲۰۶	چشم‌زخم
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۵۰۵ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۲۶	پرداخت نکردن زکات

مقولات	مستندات قرآنی و روایی	محروم‌سازها
	پاینده، ۱۳۶۲، ص ۳۷۴، ح ۱۰۹۶	نبودن کودک در خانه
	کلینی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۳۲	سفره بی نمک، غذای داغ
	کراچکی، ۱۳۸۰، ص ۷۳	حکم بغیر عدالت

بحث

پیش از این بیان شد که اراده الهی در میزان دستیابی انسان‌ها به اهدافشان دخالت دارد. بر اساس مدل مفهومی ارائه‌شده میزان این دخالت متفاوت است. می‌توان گفت اطراف مبدأ در نمودار ۱ موقعیتی است که احتمالاً بندگان نسبت به سایر موقعیت‌های نمودار بیشتر به حال خود واگذار شده‌اند؛ در این حالت گویی همه امورات و عوامل اثرگذار مادی بوده، قابل پیش‌بینی و غیر ماورائی است و چه‌بسا بسیاری از سازمان‌های امروزی در این موقعیت قرار دارند و لذا نظریه‌های مدیریت در مورد این سازمان‌ها به‌خوبی کارساز است؛ اما آیا نظریه‌های مدیریت در مورد سازمان‌هایی که در موقعیتی دور از مبدأ قرار دارند نیز راهگشاست؟ جنگ بدر در صدر اسلام (آل‌عمران: ۱۲۳) نمونه‌ای در این رابطه است؛ به‌عبارت دیگر اگر بندگان یکسره خدا را اراده و خود را تسلیم او کنند خداوند متعال نیز سررشته امور آن‌ها را به دست گرفته و به بهترین نحو آن‌ها را اداره می‌کند و حتی ممکن است کار به جایی برسد که تدبیر خود انسان بی‌اثر شود! و در نتیجه نظریه‌پردازی‌های صرفاً مادی دیگر نمی‌توانند به‌خوبی چنین موقعیت‌هایی را تحلیل کرده و یا ریشه‌ها و علل اصلی وقایع را دریابند. چراکه در نظر گرفتن پدیده‌ها بدون مداخلیت اراده تام الهی سطحی‌نگری نسبت به عالم و غفلت ورزیدن از حقیقت جهان است.

در مدل مذکور دو عامل در فاصله گرفتن از مبدأ به سمت موقعیت برکت در نظر گرفته شد، بعد اول حدی است که انسان(ها) خدا و بندگی‌اش را چه از جهت فاعلی و چه از نظر فعلی اراده می‌کنند. بعد دوم مدل مذکور مشیت الهی بود که باید گفت انسان را به شناخت کامل آن راهی نیست چراکه در علم مکنون حق بوده و کسی را جز حضرتش از آن آگاهی نیست؛ اما اجمالاً می‌توان گفت مشیت الهی بر سیر انسان به سمت خدا بوده و بی‌ارتباط با عامل اول یعنی اختیار و اراده انسان نیز نیست؛ بنابراین از معارف دینی چنین دریافت می‌شود که

انسان‌ها نیز می‌توانند با انجام فعالیت‌هایی احتمال دریافت امداد الهی را افزایش دهند که این فعالیت‌ها در قالب زمینه‌سازها و حذف محروم‌سازهای برکت ارائه شد.

زمینه‌سازها و محروم‌سازهای برکت اگرچه در منابع دینی غالباً در مورد زندگی فردی است اما مواردی نیز وجود دارد که به برکت به اجتماع انسان‌ها نیز اشاره شده است (آل‌عمران: ۹۶). لذا در این پژوهش مفهوم برکت از حوزه فردی به تلاش جمعی و سازمانی انسان‌ها بسط داده شده است. در مواردی هم که زمینه‌سازها و محروم‌سازها کاملاً به زندگی فردی مربوط است تلاش شده با استخراج مقولات اساسی در حوزه سازمان قابل فهم گردد؛ بنابراین گاهی منشأ نزول برکت فردی و گاه به‌صورت جمعی است در حالت فردی یک شخص مهبط برکت است و دیگران و مجاوران درحالی‌که در نزول برکت تأثیری ندارند از حاصل آن بهره‌مند می‌شوند؛ در حالت جمعی افراد به‌تنهایی شایستگی نزول برکت را نداشته اما تلاش‌های جمعی آن‌ها موجبات نزول برکت را فراهم می‌کند که هر دو مورد برای سازمان‌ها مفید است.

سازمان‌ها می‌توانند با ارتقاء حد خداخواهی، زمینه‌سازی و حذف محروم‌سازها احتمال نزول برکت را در خود افزایش دهند. در مورد بعد اول مدیران می‌توانند از طریق بازتعریف چشم‌انداز، مأموریت و اهداف، جهت‌گیری سازمان را به سمت خدامحوری بهبود ببخشند؛ حتی در مورد بنگاه‌های اقتصادی که به دنبال درآمدزایی صرف هستند با بازنگری در فلسفه وجودی خود، می‌توان سازمانی ایمان محور ایجاد نمود (مثلاً ثروت‌افزایی برای جامعه مسلمین). به‌علاوه توجه به رشد و تعالی دینی کارکنان و رسوخ اهداف خداگرایانه در فرهنگ سازمانی موقعیت سازمان‌ها را در محور عمودی بالا می‌برد. علاوه بر آن به‌کارگیری مدیران و کارکنان مؤمن هم موجب تعیبه جهت‌گیری الهی در فرایندها و هم زمینه‌سازی برکت فردی به‌خصوص بسته به جایگاه سازمانی ایشان می‌شود (زمینه‌ساز ۸). البته در این مورد لزوم ملاحظه استانداردهای تخصص و نیز یافتن فرایندهای گزینش مؤثر به‌منظور شناخت مؤمن راستین ضروری است.

همچنین آموزش زمینه‌سازها و تشویق و تأکید بر آن‌ها و بزرگداشت مناسک و شعائر دینی از روی اعتقاد و باور قلبی در سازمان موجب رشد دینی کارکنان و در نتیجه فاصله گرفتن از مبدأ الگو و افزایش احتمال نزول برکت می‌شود. موضوع آموزش اهمیت بسزایی

دارد. مدیران و کارکنان نباید به این موضوع به عنوان دستورالعمل‌های بالادستی یا اجبارهای اجتماعی نگاه کنند؛ چراکه اجرای زمینه‌سازها و حذف محروم‌سازها تنها در صورتی مؤثر واقع می‌شود که از روی اعتقاد و برای خدا انجام شود و در غیر این صورت به اعمالی صوری، اجباری، خشک و بی‌حاصل تبدیل می‌شود. در برخی موارد مانند مسئولیت اجتماعی یا مشتری‌مداری که برای سازمان‌ها مفاهیم آشنایی هستند و شاید بسیاری از سازمان‌ها آن‌ها را در حال حاضر به‌خوبی انجام می‌دهند تغییر جهت‌گیری یعنی تغییر علت انجام این فعالیت‌ها حائز اهمیت است؛ مثلاً در یک حالت سازمان به فعالیت‌هایی از جنس مسئولیت اجتماعی دست می‌زند بدان دلیل که نظریه‌های مدیریت به‌منظور بهبود وجهه آینده سازمان چنین توصیه نموده‌اند؛ در حالت دیگر همان فعالیت‌ها به این دلیل که موجب بهبود امورات مسلمین شده و در نتیجه مورد رضایت و خشنودی خداست انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر محور افقی و محور عمودی الگو درهم‌تنیده و به هم وابسته‌اند و از این رو مهیا نمودن زمینه‌های نزول برکت در ترکیب با محور عمودی نتیجه مناسب را در بر خواهد داشت. به‌طور مثال اگر مشتری‌مداری از جهت پیروی از دستورات دینی (خداخواهی) انجام پذیرد موجب فاصله گرفتن سازمان از مبدأ می‌شود و اگر نه چه‌بسا دنیاخواهی بوده و حتی موجبات ابتلا به‌منظور ارتقاء خداخواهی سازمان را فراهم کند و این موضوع یعنی جهت‌گیری خدایی در فعالیت‌ها بسیار مهم و کلید تقرب سازمان است.

رشد دینی کارکنان همچنین موجب کاهش محروم‌سازها از جمله گناهان چه در درون سازمان و چه در محیط بیرونی می‌گردد. گناهان شخصی نیز بر سازمان مؤثر هستند؛ چراکه ممکن است انسان به‌قدری ظلمانی گردیده باشد که بر اطرافیان خود در محیط کار و حتی بر کل سازمان تأثیرات سوء بگذارد. این بدان معنا نیست که سازمان بر رفتار خصوصی و شخصی کارکنان نظارت کند بلکه به این معناست که سازمان می‌تواند با سرمایه‌گذاری بر رشد اخلاقی کارکنان این اثرات را کاهش دهد.

معاصی فردی ممکن است در داخل سازمان صورت گیرد از قبیل پوشش نامناسب کارکنان، غیبت و... که طبیعتاً چون در محیط سازمان انجام می‌گردد و علاوه بر خود فرد اشخاص دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد اثرات سوء بیشتری دارد. معاصی فردی را می‌توان از منظر سلسله‌مراتب

سازمانی نیز مورد بررسی قرار داد؛ با بالاتر رفتن جایگاه فرد در سلسله‌مراتب سازمانی تا سطوح مدیران میانی و مدیران ارشد تأثیر و سایه شوم معاصی بیشتر می‌شود.

صورت دیگر تأثیر گناه را می‌توان در قالب گناهان کارکنان در ارتباط با فعالیت سازمانی آن‌ها مورد بررسی قرار داد. در این حالت فرد به سبب نوع فعالیت که در سازمان دارد و یا جایگاه سازمانی، حدود شرعی را نقض می‌کند. از جمله این معاصی مفساد اداری از قبیل رشوه، اخذ امتیازات، سوءاستفاده از اسناد و مدارک موجود در راستای منافع شخصی یا فامیلی، خرید کارگزاران اداری، به‌کارگیری کارگزاران و اموال سازمان به نفع منافع شخصی، دست‌کاری اسناد، فروش اسناد دولتی، کم‌کاری، دست‌کاری در اسناد مناقصات و فروش خدمات، حیف و میل اموال دولتی و سوءاستفاده از جایگاه سازمانی برای باندا بازی و در نتیجه ظلم به اشخاص را نام برد. ویژگی این نوع از معاصی فردی که در ارتباط با فعالیت و جایگاه سازمانی صورت می‌گیرد این است که اولاً در فرایند انجام کار و مسیر تحقق اهداف نهفته و ثانیاً دامنه آن به زمان انجام عمل محدود نشده و گسترش می‌یابد؛ چراکه از یکسو موجب مختل شدن روند صحیح کار شده و از سوی دیگر ممکن است بر حلیت درآمد شخص تأثیر گذارد. در نتیجه این نوع از معاصی نسبت به مورد قبل اثرات سوء بیشتری دارند.

نوع دیگر معاصی به صورت سازمانی است؛ یعنی سازمان به‌عنوان یک شخص حقوقی معصیت انجام می‌دهد؛ مثلاً سازمانی که یک کالای حرام همچون مشروبات الکلی تولید می‌کند و یا خدمات و محصولات را ارائه می‌نماید که به ضرر مسلمین است. حالت دیگر شرایطی است که معصیت در فرایندهای داخلی سازمان مثل عملیات، استانداردها و روال‌ها تعبیه شده است و مغایر با احکام شرع باشد. این موضوع به‌خصوص با توجه به اقتصاد جهانی امروز و رعایت فقه معاملات و تعاملاتی در مواجهه با موقعیت‌های خارجی و نیز در نظر گرفتن مصالح مسلمین ضروری است.

در مجموع می‌توان گفت اکثر زمینه‌سازها و محروم‌سازها در سازمان قابل پیاده‌سازی است و اجرای آن‌ها باعث می‌شود تلاش‌ها و زحمات زیادی که در سازمان صورت می‌گیرد بی‌حاصل نباشد و به نتیجه برسد و در نتیجه می‌تواند منافع زیادی را برای سازمان فراهم کند. توسعه شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و بررسی میدانی این منافع از جمله محدودیت‌های

تحقیق حاضر بوده که می‌تواند از طریق ساخت مفهوم برکت به صورت یک سازه چندبعدی به عنوان خطوط راهنمایی برای تحقیقات آتی باشد.

جمع‌بندی

در این پژوهش تبیین شد که تنها خواست و تلاش انسان نیست که بر میزان دستیابی به اهدافش اثرگذار است بلکه اراده الهی که مافوق همه اراده‌هاست در امور و شئون آدم و عالم دخالت دارد. بسته به میزان خداخواهی انسان‌ها خداوند متعال در امورات آن‌ها دخالت نموده تا جایی که تدبیر امور مؤمنان حقیقی را به طور کامل در دست می‌گیرد. در شرایطی ممکن است علی‌رغم خداخواهی، در کارهای مؤمنان گره افتاده و مبتلا گردند. مهیا نمودن زمینه‌های نزول برکت و حذف محروم‌سازها احتمال انتقال موقعیت سازمان از ابتلا به موقعیت برکت را افزایش می‌دهد. زمینه‌سازها و محروم‌سازهای برکت در قالب دو جدول ارائه گردید و مواردی که مربوط به زندگی شخصی می‌شد حتی‌المقدور به کمک روش تحلیل محتوی جهت استفاده در سازمان مقوله‌بندی شد. در نهایت برخی موارد مهم زمینه‌سازها و محروم‌سازها در حوزه سازمان مورد بحث قرار گرفت.

همچنین بیان شد که تشابهاتی در نظریه‌های موجود سازمان و مدیریت مانند مشتری‌مداری و مسئولیت اجتماعی با برخی از زمینه‌سازهای نزول برکت وجود دارد. لذا اجماً می‌توان چنین نتیجه گرفت که مدیریت اسلامی اشتراکاتی با مدیریت غربی دارد با این تفاوت مهم که آنچه باعث تفاوت ماهوی بین این اشتراکات می‌گردد تأثیر ایمان و در نتیجه علت غایی انجام آن‌هاست. به این معنا که مدیریت رایج زمینه‌سازهای مذکور را اولاً برای کسب منافع صرفاً دنیوی و ثانیاً به دلیل توصیه صاحب‌نظران مدیریت و اثبات‌های تجربی انجام شده، قبول و اجرا می‌کنند؛ اما مدیریت اسلامی به منظور دستیابی به غایت خدایی و تبعیت از توصیه‌های دینی پذیرفته و عمل می‌کند. از این رو مدیریت اسلامی هم بهره مادی و زمینی که در نظریه‌ها به اثبات رسیده است را می‌برد و هم به واسطه اینکه اراده، قدرت و رحمت الهی و نیز اولیاء خدا و صدق گفتارشان را قبول دارد از امداد مخصوص خداوندی برخوردار می‌گردد. در نتیجه مدیریت اسلامی دارای دو بخش مشترک و غیرمشترک با نظریه‌های موجود مدیریت است که بخش غیرمشترک آن باید بر مبنای اسلوبی صحیح از

منابع دینی استخراج گردد و بخش مشترک بر اساس ایمان به خدا و دین‌داری بازتولید، تبیین و اجرا گردد. پژوهش حاضر در این راستا با اتخاذ رویکردی جدید نسبت به تحقیقات قبلی حوزه مدیریت اسلامی تلاش نمود بین مباحث مادی و دنیوی سازمان و مدیریت و مباحث اسلام که ماهیتی ملکوتی دارد پلی نظری ایجاد نماید که مزیت و نوآوری این تحقیق بوده و می‌تواند منافع مهمی را برای مدیران و سازمان‌ها به همراه داشته باشد.

از بعد نظری پیشنهاد این تحقیق برای پژوهش‌های آینده بازبینی نظریه‌های مدیریت با ملاحظه وجود خداوند متعال در عالم و در نظر گرفتن مداخله فعالانه حضرتش در فعالیت‌های انسان‌ها و اصلاح نظریه‌ها در صورت نیاز است. از بعد عملی نیز مهم‌ترین پیشنهاد این تحقیق به سازمان‌ها و مدیرانشان این است که به اهداف به‌ظاهر مادی سازمان رنگ و بویی الهی بدهند؛ به عبارت دیگر جا دادن غایاتی خداجویانه در فلسفه وجودی و اهداف سازمان و نیز اصلاح جهت‌گیری‌های کلی و جزئی، اهداف، خط‌مشی‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و سایر امورات سازمان در این راستا؛ که می‌تواند زمینه‌ساز دریافت امداد الهی و نزول برکت باشد. اصلاحاتی که برای سازمان کمترین هزینه‌ها را در بر داشته و درعین حال می‌تواند نتایج عظیمی به ارمغان بیاورد. ناگفته پیداست که هر چه این تغییرات گسترده، عمیق، واقعی، غیر صوری و بر مبنای اعتقادات صحیح اسلامی باشد اثرگذارتر خواهد بود.

یادداشت‌ها

۱. بقره: ۷۰، ۱۰۵، ۱۴۲، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۷۲، ۲۴۸، آل عمران: ۶، ۱۳، ۲۶، ۲۷، ۳۷، ۴۰، ۴۷، ۷۳، ۷۴، ۱۲۹، ۱۷۹، نساء: ۴۸، ۴۹، ۱۱۶؛ مائده: ۱۷، ۱۸، ۴۰، ۵۴؛ انعام: ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۸۰، ۸۳، ۸۸ و
۲. بقره: ۲۰، ۲۲۰، ۲۵۳، ۲۴۸؛ آل عمران: ۲۶، ۱۲۹؛ نساء: ۹۰، ۱۳۳؛ مائده: ۱۸، ۴۰، ۴۸؛ انعام: ۳۹، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۴۹ و
۳. آل عمران: ۹۶، انعام: ۹۲، ۱۵۵؛ مریم: ۳۱، انبیا: ۵۰، مؤمنون: ۲۹، نور: ۳۵، ۶۱؛ قصص: ۳۰، ص: ۲۹، دخان: ۳ و ق: ۹.
۴. اعراف: ۵۴، مؤمنون: ۱۴، فرقان: ۲، ۱۰، ۶۱؛ غافر: ۶۴، زخرف: ۸۵، رحمن: ۷۸، ملک: ۲.
۵. اعراف: ۱۳۷، اسراء: ۲، انبیا: ۷۱، ۸۱؛ سباء: ۱۸، صافات: ۱۱۳.
۶. اعراف: ۹۶ و هود: ۴۸، ۷۳.

۷. فصلت: ۱۰.

۸. نمل: ۸.

۹. ابراهیم: ۷ و طه: ۱۲۴.

کتابنامه

- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۲)، *تحف العقول*، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن طاووس حلی، علی (۱۳۷۰)، *المجتبی من الدعاء*، ابوطالب کرمانی، قم: دار الذخایر.
- ایمان، محمدتقی؛ محمدیان، منیژه (۱۳۸۷)، «روش شناسی نظریه بنیادی»، *روش شناسی علوم انسانی*، شماره ۵۶، ۵۴-۳۱.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳)، *الحقائق الناصره فی احکام العتره الطاهره*، قم: انتشارات اسلامی.
- بختیار، حسن (۱۳۸۹)، «بررسی میزان تأثیر معنوی بر توانمندسازی مدیران»، *علوم انسانی*، ۸۱، ۱۲۹-۱۵۰.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۸۲)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، *نهج الفصاحه*، قم: جاویدان.
- تمیمی، عبدالواحد (۱۳۷۸)، *گزیده غرر الحکم و درر الکلم*، رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دارینی، محمد (۱۳۸۶)، «برکت در قرآن»، *الهیات و حقوق*، ۲۵، ۱۳۹-۱۲۱.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴)، *تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی*، دانشگاه شاهد، شماره ۱۱، ۷۰-۵۷.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۱)، *إرشاد القلوب*، قم: الشریف الرضی.
- همو (۱۴۰۸ق)، *اعلام الدین*، قم: مؤسسه آل البیت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، *توحید در قرآن*، ج ۲، قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۰)، *تفصیل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: آل البیت.
- همو (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: آل البیت.
- رستگار، عباس علی؛ وارث، سید حامد (۱۳۸۷)، «خدا در سازمان: تلفیق و یکپارچگی زندگی معنوی و زندگی کاری»، *علوم مدیریت ایران*، ش ۱۱، ۹۹-۷۳.
- رضایی، سید عبدالحسین (۱۳۶۴)، *الروضه در مبانی اخلاق*، قم: اسلامی.

- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱ق)، *الجامع الصغیر*، بیروت: دار الفکر.
- صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲)، *جواهر الکلام*، سلطانی نسب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۶)، *علل الشرائع*، مسترحمی، تهران: نشر صدوق.
- همو (۱۳۷۰)، *الامامة والتبصرة*، قم: نشر مدرسه الامام المهدي (عج).
- همو (۱۳۷۲)، *عیون اخبار الرضا*، قزوینی، تهران: نشر صدوق.
- همو (۱۳۸۰)، *التوحید*، میرزایی، قم: علویون.
- همو (۱۳۸۴)، *حصال*، حسن‌زاده، تهران: ارمغان طوبی.
- صفار قمی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، موسوی، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۹)، *مکارم الاخلاق*، راشدی، قم: صبح پیروزی.
- همو (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: نشر اعلمی.
- طوبایی، محمدتقی (۱۳۸۵)، «مروری بر جایگاه آخرت‌گرایی در مدیریت اسلامی و تأثیر آن در حوزه وظیفه برنامه‌ریزی»، *اندیشه صادق*، ۲۳، ۴۰-۱۷.
- طوسی محمد بن حسن (۱۳۷۰)، *تهذیب الاحکام* (تحقیق خراسان)، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- همو (۱۳۸۸)، *الامالی*، قم: اندیشه هادی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۰)، *کلیات مفاتیح الجنان*، قم: اسوه.
- فروزنده دهکردی، لطف‌الله، ملائی، اله (۱۳۸۸)، «بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب»، راهبرد، ش ۱۷: ۱۸۷-۱۶۶.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۳۸۰)، *کنز الفوائد*، کمره‌ای، تهران: فردوسی.
- همو (۱۳۸۰)، *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، تهران: مکتبه المرتضویه.
- کفعمی، تقی‌الدین ابراهیم (۱۳۸۲)، *مصباح کفعمی*، قم: منشورات الرضی-زاهدی.
- کلاکی، حسن (۱۳۸۸)، «نظریه بنیادی به مثابه روش نظریه‌پردازی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، ش ۶: ۱۱۹-۱۴۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *اصول کافی*، مصطفوی، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۱)، *بحار الانوار*، کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامی.

- محمدزاده، رضا؛ گوهری، عباس؛ جانی پور، محمد (۱۳۸۸)، «بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، ۴، ۶۸-۴۱.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث.
- مصلح، علی اصغر؛ موسوی مقدم، سید رحمت الله (۱۳۹۰)، نسبت انسان با خدا در فلسفه دکارت و نقد آن از دیدگاه محمدحسین طباطبایی. دانشگاه قم، ۴، ۹۱-۱۱۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۲، چاپ ششم، تهران: صدرا.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق)، مستدرک سفینه البحار، قم: جامعه مدرسین.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۹ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: آل البيت(ع).

